

۱

## همکاری استراتژیک ایران و روسیه:

## ارتقای جایگاه و مقابله با یکجانبه گرایی

الهام کشاورز مقدم<sup>۱</sup>

پارسا حجازی<sup>۲</sup>

درجه مقاله: علمی

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۳/۱۲/۲۴

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۴/۰۲/۱۶

<sup>۱</sup>. استادیار گروه روابط بین الملل دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، ایران e.keshavarz@ut.ac.ir

<sup>۲</sup>. کارشناس ارشد روابط بین الملل دانشگاه تهران، ایران pars.a.hejazi@ut.ac.ir

## چکیده

وضعیت امنیتی منطقه غرب آسیا، ضرورت پویایی دکترین سیاست خارجی ایران را برای ارتقای جایگاه و سطح کنشگری در تعاملات میان قدرت‌های منطقه‌ای برجسته کرده و از این رو، تقویت روابط نظامی و سیاسی با روسیه به عنوان یک راهبرد استراتژیک در رفتار سیاست خارجی ایران صورت‌بندی شده است. حال سؤال اساسی پژوهش این است که چه ظرفیتی در روابط دو کشور وجود دارد که موجب گسترش همکاری‌های نظامی و مناسبات سیاسی میان ایران و روسیه شده و تعاملات دو کشور را به سطح روابط راهبردی و استراتژیک رسانده است؟ پژوهش حاضر با هدف بررسی مناسبات سیاسی-امنیتی و نظامی ایران و روسیه در نظام بین‌الملل انجام شد. روش پژوهش کیفی و مبتنی بر رویکرد توصیفی-تحلیلی بود. یافته‌ها نشان داد شکل‌گیری همکاری استراتژیک ایران و روسیه ناشی از فهم و نوع نگرش دو بازیگر به مساله "جایگاه" است. بدین معنا که مقابله با یکجانبه‌گرایی امریکا، افزایش توانایی‌های نظامی و کسب جایگاه نسبی بالاتر؛ حداکثرسازی قدرت/امنیت در مناسبات همکاری‌جویانه، نارضایتی از جایگاه و تلاش برای بیشینه‌سازی قدرت/امنیت جهت ارتقای جایگاه موجب افزایش سطح همکاری‌ها و گاه ترسیم اهداف بلندمدت همسو؛ اشتراک نظر در مسائل راهبردی؛ همکاری‌های اقتصادی و باورمندی مشابه به نقش دشمن مشترک در مناسبات آتی موجب شکل‌گیری روابط عمیق و همکاری‌های استراتژیک بین ایران و روسیه شده است.

● واژگان کلیدی

سیاست خارجی ایران، روسیه، جایگاه، مقابله با یکجانبه‌گرایی، همکاری استراتژیک.

## مقدمه

الگوی منطقه‌گرایی سیاست خارجی ایران با توازن قدرتی در منطقه امکان‌پذیر است که در آن ایران در یک جایگاه مهم تصمیم‌گیرنده و پیش‌برنده معادلات امنیتی قرار گیرد. در این مسیر، جمهوری اسلامی به‌منظور حداقل‌سازی تهدیدات و افزایش امنیت خود، همواره به دنبال تغییر جایگاه و ارتقای منزلت مادی و معنوی خود بوده است. بدیهی است که فارغ از تمایل جهت‌ایفای نقش در معادله قدرت در سطح منطقه، مؤلفه‌هایی همچون موقعیت ژئوپلیتیک‌محور، نفوذ قدرت‌های فرامنطقه‌ای، موضع‌گیری بازیگران منطقه‌ای و تعارضات هویتی نیز در پیشبرد و تفوق این سیاست، حایز اهمیت بوده است. با این وجود، جمهوری اسلامی ایران بر اساس نقش‌مآلی و جایگاه ژئوپلیتیک و سیاست منطقه‌گرایی می‌کوشد تا به جلوه‌هایی از قدرت هژمون منطقه‌ای دست یابد. درعین حال، به نظر می‌رسد قابلیت‌ها و ویژگی‌های تاریخی و تمدنی ایران به عنوان عنصر قدرت ایران از یک سو و فشارهای محیطی همچون رقابت بازیگران منطقه‌ای سبب ناسازگاری میان ادراک جایگاه فعلی ایران و آنچه استحقاق ایران بوده، شده و این ناسازگاری تا حدّ بسیاری ناشی از اقدامات ایالات متحده در برابر ایران و در منطقه غرب آسیاست.

از طرفی، روسیه نیز به عنوان یک قدرت بزرگ، پس از جنگ سرد و فروپاشی شوروی، هیچگاه از جایگاه خود در نظام بین‌الملل راضی نبوده و از همان ابتدا احیای قدرت و عظمت را در دستور کار خود قرار داده و همواره در پی کاهش قدرت امریکا و افزایش نقش و جایگاه خود بوده است. اگرچه در برخی از مقاطع زمانی به دلایل ضعف قدرت اقتصادی به همراهی با برخی سیاست‌های امریکا روی آورده، اما رفتارهای موقتی ناشی از شرایط، این مطالبه را تغییر نداده است. اختلافات مسکو با غرب پس از تحولات اوکراین بیش از پیش عمیق شده‌اند. مسکو معتقد است که امریکا درصدد است با قرار دادن روسیه در تنگنای امنیتی از مسیر اقدام غیر مستقیم، سطح کنشگری و جایگاه این کشور را به درون مرزهای خود کاهش دهد. در این اثنا، ارزیابی‌های کلان مسکو و تهران در مورد متغیر «غرب»، ضرورت صورت‌بندی یک نوع قطب در برابر قطب غرب را برای طرفین ایجاد نموده است. همچنین رویدادهای منطقه‌ای و جهانی در سال‌های اخیر درک تهران و مسکو را به این سمت سوق داده است که تجدیدنظر طلبی در جایگاه و موقعیت تنها از طریق تقابل با یکجانبه‌گرایی ایالات متحده امریکا و شکل‌دهی به نظمی متفاوت حداقل در سطوح منطقه‌ای امکان‌پذیر است (مانند عضویت در بریکس،

شانگهای و اتحادیه‌های اقتصادی اوراسیا که بر افزایش وزن ایران و روسیه و ارتقای جایگاه دو کشور حداقل در نظم منطقه‌ای اثر دارد). عقیده بر این است که در نظم آنارشیستیک کنونی جهت تغییر جایگاه و دستیابی به یک موقعیت مطلوب سیاست‌های معطوف به افزایش قدرت مؤثر است. لذا، رفتار سیاست خارجی مبتنی بر بازدارندگی، منطقه‌گرایی و موازنه قوای جمهوری اسلامی ایران و اقداماتی چون مداخله‌گرایی، توسعه‌طلبی ارضی و شکل‌دهی به توازن قوا در برابر قدرت مسلط توسط روسیه نشان‌گرهایی هستند برای تلاش در جهت ارتقای جایگاه در نظم آنارشیستیک. بر طبق مفروضات منطقی دیدگاه نواقعی‌گرایی تهاجمی، یکی از ضرورت‌های مهم در چرخه دستیابی به نشانگرها و ایجاد ظرفیت برای تحول در جایگاه، افزایش قابلیت‌های تهاجمی نظامی است. بنابراین، سؤال اصلی پژوهش حاضر این است که چه ظرفیتی در روابط دو کشور وجود دارد که موجب گسترش همکاری‌های نظامی و مناسبات سیاسی میان ایران و روسیه شده و تعاملات دو کشور را به سطح روابط راهبردی و اتحاد استراتژیک رسانده است؟ به عبارت دیگر، شکل‌گیری همکاری استراتژیک بین ایران و روسیه مبتنی بر درک چه ضروریات مشترکی بوده است؟

### ۱. پیشینه تحقیق

محمودیان (۲۰۲۳) در پژوهش خویش با عنوان «همکاری نظامی روسیه و ایران: پویایی به طور چشمگیری به دلیل پهپادها در جنگ اوکراین در حال تغییر است» به دستاوردهایی از جمله تغییر ماهیت روابط امنیتی و دفاعی ایران و روسیه به خصوص بعد از جنگ اوکراین و همچنین تغییر موقعیت قدرت ایران و به دست‌آوردن توان چانه‌زنی در مقابل روسیه رسیده است. گانیلوگلا (۲۰۲۳) در مطالعه خود با عنوان «همسویی روسیه و ایران در خاورمیانه: پویایی‌های اصلی و محدودیت‌های همکاری امنیتی دوجانبه» به این نتیجه رسیده که تلاش روسیه برای موازنه‌سازی نرم در مقابله با ایالات متحده، دلیل اصلی همکاری با ایران بوده است. تان و گرمان (۲۰۲۱) در تحقیق خویش با عنوان «مشارکت راهبردی روسیه و ایران در سوریه: منافع همگرا، اما اهداف متفاوت» به این نتیجه رسیده‌اند که دو کشور دارای تشابهاتی چون ادراکات مشترک از تهدید غرب، انگیزه‌های اقتصادی مشابه در حمایت از بشار اسد و اهمیت ژئوپلیتیکی سوریه برای هر دو کشور و تفاوت‌هایی چون ابزاری بودن سوریه در استراتژی

<sup>1</sup>. Guneylioglu

<sup>2</sup>. Tan & German

روسیه، رقابت برای نفوذ، سیاست‌های متفاوت در قبال اسرائیل بوده‌اند. پارمتر ۱ (۲۰۲۰) در نوشتار خویش با عنوان «روابط فزاینده روسیه با ایران: استراتژیک یا تاکتیکی؟» به این یافته رسیده است که روابط نزدیک روسیه با کشورهای حاشیه خلیج فارس و اسرائیل در تبدیل ماهیت ارتباط روسیه و ایران به سطح تاکتیکی تأثیرگذار بوده است. صادقی (۲۰۲۰) در تحقیق خود با عنوان «همکاری دفاعی و امنیتی ایران و روسیه» به این نتیجه رسیده که تشدید بحران سوریه، تقویت روابط و همچنین همکاری‌های نظامی و دفاعی ایران و روسیه در سطح منطقه را در پی داشته است. آلدوان و نویمت ۲ (۲۰۲۰) در نوشتار خویش با عنوان «روابط روسیه و ایران در گستره شرایط جدید ژئوپلیتیکی» به نگرانی مشترک هر دو کشور از نزدیکی روابط دیگری با غرب اشاره نموده‌اند. باقری و صالحی (۱۳۹۶) نیز در تحقیق خود با عنوان «رویکرد روسیه نسبت به برنامه هسته‌ای ج. ا. ایران از منظر نظریه‌های سازه‌نگاری و ژئوپلیتیک» نشان داده‌اند که روسیه در روابط خود با ایران در زمینه برنامه هسته‌ای همواره مواضع دوگانه‌ای در پیش گرفته است؛ بدین صورت که در مواقعی با برنامه هسته‌ای ایران همکاری کرده و در مواقعی نیز همگام با غرب در این مسیر کارشکنی‌هایی به عمل آورده است.

مرور مطالعات تجربی موجود نشان داد که بیشتر پژوهش‌های اشاره شده با تأکید بر نگاه رئالیستی و دریافت تهدیدهای ناشی از موازنه قوا به تحلیل سیاست خارجی ایران و روسیه پرداخته‌اند. لذا، نوآوری مقاله پیش‌رو از این منظر است که با قرار دادن اهداف سیاست خارجی دو کشور در یک بستر، با نگاهی موشکافانه و مستند به واقعیت‌های موجود تلاش کرده تا تحلیل نماید چگونه هدف ارتقای "جایگاه" می‌تواند روایت‌های مشابهی را در توسعه روابط و مناسبات همکاری جویانه شکل بخشد. در واقع پژوهش حاضر سعی دارد تا نشان دهد چگونه این هدف مشترک باعث تعمیق روابط راهبردی میان ایران و روسیه شده است

## ۲. روش تحقیق

ماهیت پژوهش حاضر، کاربردی است که با رویکرد کیفی و روش توصیفی-تحلیلی با بهره‌گیری از تکنیک کتابخانه‌ای-اسنادی صورت‌بندی شده است. نحوه کاربست این روش در پژوهش حاضر به این صورت بود که ابتدا در مرحله گردآوری داده‌ها، اطلاعات لازم با استفاده از منابع معتبر علمی شامل منابع کتابخانه‌ای، اسناد و مطالعات پیشین گردآوری شده‌اند. سپس در

1. Parmeter

2. Aledwan & Al-Nouimat

مرحله توصیف داده‌ها تلاش شد تا با شناسایی و دسته‌بندی اطلاعات و با بهره‌گیری از نظریه "جایگاه در سیاست جهانی" از پال، تصویری دقیق از چرایی همکاری ایران و روسیه تبیین و تحلیل شود تا استراتژی‌های امنیتی نظامی و ارتقای سطح همکاری به وضعیت راهبردی نمایان گردد.

### ۳. مبانی نظری و تعریف مفهومی

#### تعریف روابط راهبردی و همکاری‌های استراتژیک

اتحاد استراتژیک یک توافق بلندمدت رسمی بین دو یا چند دولت است که هدف آن دستیابی به اهداف مشترک و پیشبرد منافع جمعی آن‌هاست. این اتحادها اغلب شامل همکاری همه‌جانبه در حوزه‌های مختلف، از جمله دفاعی، اقتصادی و سیاسی می‌شوند. اتحادهای استراتژیک معمولاً برای مقابله با تهدیدات درک شده، افزایش قدرت چانه‌زنی یا حتی ترویج ارزش‌ها و ایدئولوژی‌های مشترک شکل می‌گیرند (Snyder, 1990; Stepanova, 2020). در مقابل اتحاد تاکتیکی، همکاری محدودتر و کوتاه‌مدتی را بین دولت‌ها رقم می‌زد که هدف آن بیشتر دستیابی به اهداف خاص یا رفع نگرانی‌های فوری است (Stepanova, 2020). اتحادهای تاکتیکی معمولاً بر یک موضوع یا ستیزش خاص متمرکز هستند و ممکن است شامل همکاری نظامی، اشتراک اطلاعات یا عملیات مشترک هم باشد. این اتحادها اغلب به دلیل ضرورت یا از روی مصلحت شکل گرفته و ممکن است پس از دستیابی به هدف منحل شوند (MacDonald & Parent, 2021). اتحادهای استراتژیک و تاکتیکی از نظر دامنه، مدت و سطح تعهد متفاوت هستند. اتحادهای استراتژیک جامع‌تر و بلندمدت‌تر هستند و اغلب شامل یکپارچگی عمیق‌تر و مسئولیت‌های مشترکی می‌شوند که در طول هدف جمعی اعضا قرار می‌گیرند. این در حالی است که اتحادهای تاکتیکی متمرکزتر و گذرا هستند و هدفشان دستیابی به اهداف خاص و معمولاً منفرد و مصلحتی است (Murray, 2019; Morrow, 1991). شکل‌گیری اتحاد استراتژیک نیازمند داشتن اشتراک نظر و توافق درباره مسائل جهانی، ارزش‌های جهان‌شمول و منافع بلند مدت دو طرف است. توافق دو یا چند دولت برای تجمیع نیروهای نظامی، سیاسی و اقتصادی که در آن طرفین تعهد می‌کنند تا به منظور پیشگیری از یک وضعیت تهدیدآمیز از سوی بازیگر سوم، موضع واحد و هماهنگی را اتخاذ نمایند (Czechowska, 2013, p.45). در نظام بین‌الملل اتحادهای استراتژیک معمولاً میان دو بازیگر با سطح متفاوت قدرت رخ می‌دهد. بدین

معنا که اتحاد استراتژیک میان یک بازیگر سطح منطقه‌ای با یک قدرت بزرگ منعقد می‌شود که بر اساس آن دو طرف تعهد می‌کنند تا در سازمان‌های بین‌المللی و مجامع سیاسی بین‌المللی با رای دهی به نفع متحد خود از او حمایت کامل به عمل آورند (Yuen, 2019). در عرصه اقتصادی این اتحادها دارای منافع مشترک ناشی از وابستگی متقابل است به نوعی که متحد ضعیف‌تر به تأمین مواد خام و بازار برای قدرت بزرگ کمک می‌کند و از سوی دیگر بستر سرمایه‌گذاری خارجی از سوی متحد برایش فراهم می‌گردد (Lawrence, 2019). علاوه بر این، دولت قوی متعهد می‌گردد تا در صورت بروز هر گونه تهدید نظامی علیه دولت ضعیف‌تر از وی حمایت نظامی به عمل آورد. بر اساس تعاریف فوق از روابط راهبردی که منجر به اتحاد استراتژیک می‌گردد و همچنین روابط تاکتیکی می‌توان به عوامل و گزاره‌هایی در مناسبات سیاسی، اقتصادی و نظامی میان ایران و روسیه بر اساس نظریه جایگاه اشاره نمود که در حال سیر روابط به سطح استراتژیک می‌باشند.

### تئوری جایگاه در روابط بین‌الملل

تاژا وارکی پال در تبیین تئوری جایگاه<sup>۱</sup> در کتاب "جایگاه در سیاست جهانی" بررسی و تحلیل جامعی از نظریه جایگاه در روابط بین‌الملل ارائه می‌کند. به عقیده پال، اهداف دولتها نه تنها با منافع مادی مانند امنیت و اقتصاد برانگیخته می‌شود، بلکه تمایل آنها به جایگاه، اعتبار و به رسمیت شناختن در نظام بین‌الملل نیز بخش مهمی از اهداف آنها را تشکیل می‌دهد. نارضایتی از جایگاه کنونی و تمایل به بازیابی شکوه گذشته، نقش مؤثری در شکل‌دهی به سیاست خارجی دو کشور دارد. این پژوهش با فرضیه اصلی "تمایل ایران و روسیه به ارتقای جایگاه، محرک اصلی همکاری‌های نظامی و سیاسی میان دو کشور"، به بررسی روابط آنها در این بستر می‌پردازد. پال استدلال می‌کند که دولتها به دلایل ابزاری و روانی/ فرهنگی به دنبال جایگاه و موقعیت هستند (Paul et al, 2014؛ Green, 2023). از لحاظ روانی/ فرهنگی دولتها نیاز به احترام و ارائه تصویری قدرتمند از خود دارند که در عمل جایگاه مناسب است که به برآورده شدن این موارد کمک می‌کند (Gotz, 2020). ساخت تصویری از میزان قدرت خود در نگرش و ذهن سایر بازیگران رقیب تا حدی می‌تواند بازدارندگی ایجاد نماید و این موضوع را تثبیت نماید که بدون در نظر گرفتن جایگاه ایران، رقبای منطقه‌ای قادر به حفظ نظم و یا

<sup>1</sup>. Status theory

تامین امنیت منطقه خواهند بود. ایالات متحده آمریکا و سایر دول غربی نیز باید در مناسبات سیاسی و امنیتی در هر نقطه از جهان، منافع روسیه را نیز در نظر بگیرند.

پال برای فهم بهتر تئوری جایگاه خود مفروضاتی کلیدی مطرح می‌نماید که عبارت‌اند از: سلسله مراتب جایگاه‌ها: نظام بین‌الملل دارای سلسله مراتب جایگاهی ضمنی یا صریحی است؛ به طوری که برخی از دولت‌ها بر اساس عواملی مانند قدرت نظامی، قدرت اقتصادی، نفوذ فرهنگی و میراث تاریخی، دارای جایگاه بالاتری نسبت به سایرین هستند.

نشان‌گرهای جایگاه: کشورها از نشانگرهای مختلفی برای نشان دادن جایگاه خود استفاده می‌کنند. برای مثال به دست آوردن سلاح‌های هسته‌ای، صندلی‌های دائمی شورای امنیت سازمان ملل، میزبانی رویدادهای مهم و نمایش نمادین نفوذ.

ناسازگاری جایگاه: زمانی که یک دولت شکافی را بین جایگاه فعلی و جایگاه مطلوب خود احساس می‌کند، به این شرایط در اصطلاح "ناسازگاری جایگاه" گفته می‌شود. ویژگی موقعیت ژئوپلیتیکی و قدرت بزرگی در گذشته اهمیت می‌یابد.

نارضایتی از جایگاه: قدرت‌های در حال ظهور ممکن است از وضعیت موجود و سلسله مراتب فعلی ناراضی باشند؛ که این موضوع آن‌ها را به چالش با قدرت‌های مستقر و نظم حاکم سوق دهد. رقابت جایگاه: دولت‌ها برای کسب جایگاه نسبی بالاتر از طریق ابزارهای مختلفی مانند مسابقه تسلیحاتی، رقابت اقتصادی یا ادعای نقش‌های رهبری جهانی با یکدیگر رقابت می‌کنند (Paul et al, 2014).

پال در حالی که منابع مادی را مهم می‌داند، معتقد است که تصورات در رابطه با جایگاه به طور مستقل می‌توانند ترجیحات و سیاست‌های دولت را فراتر از الزامات امنیتی شکل دهند. پس انگیزه دولت‌ها نه فقط منافع مادی است، بلکه میل به جایگاه، اعتبار و به رسمیت شناخته شدن در نظام بین‌الملل به طور مستقل تأثیر علی در معادلات و گزینه‌های کشورها خواهند داشت (Deborah & Alexei, 2019b; Duque Marina, 2018). نکته اساسی این نظریه در آن است که دولت‌ها اغلب جایگاه فعلی خود را نه فقط در برابر سایر دولت‌ها، بلکه بر اساس قیاس با میراث تاریخی یا "دوران طلایی" قبلی خود قضاوت می‌کنند. بنابراین اگر یک دولت وضعیت فعلی خود را در مقایسه با دوره قبلی که یک امپراطوری بزرگ، هژمون یا قدرت بزرگ بوده، تقلیل یافته درک کند، این خود باعث ایجاد یک وضعیت ناسازگاری جایگاه می‌شود (Deborah & Alexei, 2014). برای مثال، پال نمونه‌هایی مانند روسیه را ذکر می‌کند که به طور بالقوه به

دنبال بازپس‌گیری سطوح قبلی موقعیت و پرستیژ مناسب تاریخ خود به عنوان یک امپراتوری و مرکز تمدنی است.

#### ۴. شکل‌گیری سیاست خارجی همسو میان ایران و روسیه: روابط راهبردی

##### ۴-۱. مقابله با یکجانبه‌گرایی ناشی از ناهماهنگی جایگاه

از نظر پال، ناهماهنگی جایگاه، فشارهای قدرتمندی را برای سیاست‌های خارجی تجدیدنظرطلبانه ایجاد می‌کند تا گسست برطرف شده و جایگاه افزایش یابد (MacDonald & Parent, 2021؛ Paul et al, 2014). پس از فروپاشی شوروی، روسیه خواهان جهان چند قطبی است که به شکل یک جانبه تحت سلطه امریکا نباشد و روسیه در آن یکی از مراکز قدرت باشد. این اصل، اکنون به یکی از هدف‌های محوری سیاست خارجی روسیه تبدیل شده و آشکارا در همه اسناد برنامه‌ریزی راهبردی روسیه بیان شده است (Deborah & Alexei, 2019a). در سند سیاست خارجی روسیه اشاره شده است که ساختار تک قطبی در جهان با فشار اقتصادی و قهری ایالات متحده امریکا تقویت می‌شود و این دیدگاه روسیه با نگاه ایران در حوزه سیاست خارجی هم‌هنگ است (Grajewski, 2021). قابل انکار نیست که تمایل فعلی تهران و مسکو به تقویت روابط در «ناگزیری» تنگناهای خارجی ناشی از فشارهای روشمند نظام تک قطبی شکل گرفته است (Kurbanov, 2013:76؛ Guneylioglu, 2023). جمهوری اسلامی ایران و روسیه از تداوم موقعیت هژمونیک امریکا و همچنین نفوذ امریکا در منطقه آسیای مرکزی، قفقاز و خاورمیانه ناخشنودند. ژئوپلیتیک منطقه آسیای مرکزی بگونه‌ای است که حضور امریکا موجب افزایش حضور ترکیه و اسرائیل شده و این موضوع تهدیدات جدی در مرزهای جغرافیایی دو کشور را رقم خواهد زد. پس از سقوط اسد این سناریو شدیداً موجب نگرانی دو کشور گشت که نیروهای افراط‌گرا با محوریت امریکا در آسیای مرکزی دست به اقدامات تروریستی بزنند. بنابراین و بر اساس تئوری جایگاه پال، هنگامی که گسستی بین جایگاه فعلی ادراک شده یک دولت و آنچه که بر اساس تاریخچه، قابلیت‌ها و قیاس با دیگران وجود دارد، ناهماهنگی / ناسازگاری حاد جایگاهی اتفاق می‌افتد که انگیزه سایر بازیگران را برای تغییر جایگاه در چارچوب اتحادی مشخص فراهم می‌سازد (Steven, 2017a؛ Steven, 2020). بدین ترتیب قدرت‌های سابقاً برجسته نیز ممکن است تجدیدنظرطلبانه عمل کنند تا شکوه و موقعیت‌های گذشته متناسب با استحقاقات تاریخی درک شده خود را به دست آورند

(Steven, 2017b; Gotz, 2020). همچنین ژئوپلیتیک و ژئوکالچیرایران به طور تاریخی پذیرای ایده برتری و متاثر از دوران امپراطوری خود است. ایران بر این باور است بخشی از تهدیدات امنیتی متوجه جمهوری اسلامی در زمان کنونی به سبب از دست رفتن سرزمین‌های وسیعی در طول تاریخ بوده است. بنابراین مقایسه جایگاه قبلی و فعلی توسط یک کشور حتی اگر بطور مستقیم در سیاست خارجی یک کشور منعکس نشود، اما باز در ذهنیت تاریخی افکار عمومی در داخل اثر گذاشته و می‌تواند به وضعیت ناسازگاری جایگاهی و شکل‌گیری تمایلات تجدیدنظرطلبانه منجر شود.

#### ۲-۴. افزایش توانایی‌های نظامی و کسب جایگاه نسبی بالاتر

دستیابی به قدرت نسبی بیشتر و جایگاه نسبی بالاتر ممکن است اهداف مکمل یا تقویت‌کننده‌ای برای دولت‌ها باشند (Paul et al, 2014). در زمینه تسلیحاتی و مبادلات نظامی، کمک‌های تسلیحاتی روسیه در بازه سال‌های ۱۹۸۸- پایان جنگ ایران و عراق- تا پیش از سال ۱۹۹۵، به دلیل نیاز شدید روسیه به منابع ارزی و نیاز مبرم جمهوری اسلامی ایران به تسلیحات متعارف به خصوص بعد از جنگ این کشور با عراق بوده است که عملاً به نقطه اوج مراودات جدید تسلیحاتی این دو کشور در دوران فعلی شکل بخشیده است (Kassianova, 2006). در این دوران به طور مشخص جمهوری اسلامی با وضعیت دشوار ناشی از هشت سال جنگ فرسایشی، در نوعی رابطه نامتقارن با روسیه قرار گرفت.

این شرایط بعد از شروع جنگ روسیه و اوکراین تا حدود زیادی قواعد بازی را به نفع ایران تغییر داد و متوازن نمود. طبق ادعای منابع غربی از مهم‌ترین پلتفرم‌های ارسالی جمهوری اسلامی ایران به روسیه می‌توان به پهپادهای شناسایی و تصویربرداری مهاجر ۶ و همچنین واریانت‌هایی از پهپادهای انتحاری شاهد ۱۳۱ و ۱۳۶ اشاره کرد. قیمت ساخت به نسبت ارزان این پلتفرم‌ها در قیاس با هزینه تامین و نگهداری پدافندهای هوایی مورد استفاده از سوی اوکراین، این تسلیحات را برای روسیه دارای اهمیتی حیاتی نموده است. جذابیت این پلتفرم‌ها برای مسکو تا حدی بود که این کشور درصدد ساخت کارخانه‌ای به کمک تهران در تاتارستان برای تولید انبوه برآمد. بنابراین روابط دو کشور تا حد زیادی با شروع جنگ اوکراین از ماهیت یک طرفه و نامتقارن خود خارج شد (Geranmayeh & Grajewski, 2023). فروش نسل نوینی از تسلیحات نظامی مدرن توسط ایران به کشوری که تا چندی پیش از سوی اکثر صاحب‌نظران جزو سه ارتش برتر در سطح بین‌المللی تلقی می‌شد، خود به عنوان شاخص نشانگر جایگاه

جمهوری اسلامی عمل می‌کند (Guneylioglu, 2023). مراودات امنیتی و دفاعی دو کشور در کنار مسئله افزایش جایگاه، آورده‌های مادی ملموسی نیز برای ایران داشته است. در این جهت می‌توان گفت ارسال پلتفرم‌های پهپادی بومی به یک منطقه جنگی فعال، باعث ارزیابی عملکرد موثر آن‌ها در مقابل سیستم‌های پدافندی غربی شده و اطلاعات به دست آمده از نقاط ضعف و قوت این تسلیحات می‌تواند برای بهبود عملکرد آن‌ها در توان نظامی ایران حائز اهمیت باشد (Parmeter, 2020). همچنین روسیه در ازای پهپادهای ایرانی، یک سامانه موشکی ضد زره انگلیسی NLAW، یک سامانه ضد زره جاولین و یک سامانه استیگر آمریکایی به تهران تحویل داده است. این موضوع با توجه به پیشینه قوی ایران در مهندسی معکوس، می‌تواند توان ضد زره نیروهای مسلح ایران را افزایش دهد. از طرف دیگر روسیه نیز با تحویل هواپیماهای تمرینی Yak-130 و احتمالاً تحویل جنگنده‌های سوخو ۳۵ (در صورت افزایش سطح تجارت تسلیحاتی دو کشور) می‌تواند منجر به افزایش توان و جوان‌سازی نیروی هوایی جمهوری اسلامی ایران شود (Geranmayeh & Grajewski, 2023) (Alibabalu, 2023). به طور منطقی بعد نظامی قدرت بسیار مادی‌تر و عینی‌تر از ابعاد دیگر جایگاه است. برای بازیگرانی که دارای سوابق قدرت بزرگ و وارث امپراطوری‌های بزرگ بوده‌اند، جایگاه مناسب قدرت نظامی و برداشت ذهنی بازیگران از قدرت نظامی آنان اهمیت دارد (Forsberg, 2014). در مورد روسیه و ایران نیز می‌توان گفت که این دو قدرت با سابقه امپراطوری و گستردگی سرزمینی، همواره به تصویر و جایگاه نظامی خود در نظام بین‌الملل تاکید دارند. از منظر تئوری جایگاه در سیاست بین‌الملل، این کشورها بیش از آنکه به قدرت نظامی واقعی خود توجه کنند، نگران چگونگی ادراک سایر بازیگران بویژه رقبای‌شان از میزان قدرت آن‌هاست.

نمونه‌ای بارز از این مسئله را می‌توان در سیاست‌های روسیه در قبال جنگ اوکراین مشاهده کرد. علی‌رغم مشکلات نظامی روسیه در میدان نبرد، مسکو به دنبال کسب تأیید و شناسایی موقعیت خود به عنوان یک قدرت بزرگ از سوی سایرین، به ویژه ایالات متحده، بوده است. در این راستا، هرگونه مذاکره صلحی که روسیه را در جایگاه یک قدرت تعیین‌کننده و نه یک کشور با مشکلات فراوان در میدان نبرد قرار دهد، برای کرملین ارزشی بیش از دستاوردهای نظامی ملموس دارد. فهم این موضوع توسط دولت ترامپ در مذاکرات صلح اوکراین، پیروزی بزرگی برای مسکو محسوب می‌شود، حتی اگر در میدان جنگ، عملکرد روسیه کمتر از انتظارات باشد. این امر نشان می‌دهد که در سیاست خارجی روسیه، ادراک قدرت مهم‌تر از

واقعیت قدرت است. همین منطبق را می‌توان در سیاست‌های ایران نیز مشاهده کرد. تهران همواره تلاش کرده است تا منزلت خود را در نظام بین‌الملل حفظ کند، حتی زمانی که تحت فشارهای اقتصادی و نظامی قرار داشته است. درک متقابل این موضوع توسط روسیه از اهمیت احترام و جایگاه نمادین قدرت نظامی - حتی به رغم عدم تطابق کامل با واقعیت آن - عاملی کلیدی در نزدیکی این دو کشور به یکدیگر است. در نهایت، می‌توان گفت که آنچه روسیه و ایران را به یکدیگر نزدیک می‌کند، نه فقط منافع مشترک، بلکه درک مشترک از اهمیت تصویر و ادراک قدرت یکدیگر در نظام بین‌الملل بوده است.

#### ۳-۴. پیشینه سازی قدرت / امنیت جهت ارتقای جایگاه

یکی از تهدیدات امنیتی مشترک ایران و روسیه که سبب همسویی در حوزه رفتار سیاست خارجی شده، علائق ژئوپلیتیکی در منطقه غرب آسیاست (Guneylioglu, 2023). نوع کنش فدراسیون روسیه در قبال تحولات منطقه غرب آسیا بر این مبناست که دامنه نفوذ خود را همانند امریکا در مناطق ژئوپولیتیک و ژئواستراتژیک جهان افزایش دهد. بنابراین پیشینه‌سازی قدرت / امنیت برای روسیه و ایران به معنای ارتقای جایگاه در مناسبات بین‌المللی و منطقه‌ای است. روسیه در ذیل حداکثرسازی قدرت از مسیر سیاست مداخله‌گری در پی برسازی این ذهنیت برای سایر بازیگران است که سطح کنشگری این کشور کلان است و در تمامی رویدادهای بین‌المللی باید نقش مؤثر آن در نظر گرفته شود. حقیقت این است که امروز سطح کنشگری قدرت‌های بزرگ به میزان سیاست‌های مداخله‌جویانه آن‌ها بستگی دارد. یک قدرت هرچند که توان نظامی بالایی داشته باشد، اما بدون سیاست مداخله‌گری یک بازیگر منزوی محسوب می‌شود (Grise & Evans, 2023).

سیاست مداخله‌گری روسیه در راستای دو هدف عمده این کشور قرار دارد. اولاً مداخله‌گری در کنار توسعه طلبی ارضی روسیه معنا می‌یابد و زمینه را برای اتخاذ چنین استراتژی هموار می‌سازد. ثانیاً، در نظام بین‌الملل، بازیگرانی توانایی مداخله در امور منطقه‌ای و بین‌المللی را دارند که از جایگاه بالایی در عرصه قدرت بهره‌مند باشند (Stepanova, 2016, p.4). روسیه می‌خواهد مرزهای ژئوپلیتیکی خود را همسو با مرزهای هویتی این کشور نماید امری که در ناخودآگاه ذهنیت جمهوری اسلامی ایران نیز وجود دارد. گره خوردن امنیت سیاسی ایران و روسیه به یکپارچگی ژئوپلیتیکی گره خورده است. در این راستا، ایران از مسیر سیاست

بازدارندگی بدنبال ارتقای امنیت خود و افزایش جایگاه اثرگذاری در معادلات منطقه‌ای و خروج از تنگنای ژئوپلیتیکی است. تئوری‌ها و گزارش‌های غرب نیز اذعان به این نکته دارند که محیط امنیتی و تهدیدات قدرت‌های بزرگ بسمت ایران، این کشور را وادار می‌سازد تا برای قدرت بازدارندگی بکوشد. بنظر می‌رسد مهم‌ترین عللی که ایران را تشویق به سیاست افزایش امنیت و قدرت نموده است ناشی از دو منطق است: نخست؛ ارتقای جایگاه به معنای افزایش پرستیژ، بازیگرانی که توانایی هسته‌ای و موشکی دارند در واقع به یک قدرت برتر نظامی دست یافته‌اند که احتمال پیروزی آن‌ها را در جنگ افزایش داده است. دوم؛ ارتقای جایگاه بازیگر به هژمونی منطقه‌ای با مزیت موقعیت ژئوپلیتیک است (Grise & Evans, 2023).

۴-۴. تأثیر جایگاه به عنوان متغیر مستقل در مناسبات همکاری‌جویانه ایران و روسیه

هر دو کشور از این واقعیت آگاهی دارند که حفظ جایگاه در بلند مدت مستلزم کاهش تهدیدات امنیتی است. از این‌رو تهدید مشترک افراطی‌گری گروه‌های تروریستی یکی از کدهای مهم ژئوپلیتیک، برای هر دو بازیگر واقعی، چالش‌زا و تهدیدزاست. جایگاه و موقعیت برتر دو کشور در مناسبات منطقه غرب آسیا، تهران و مسکو را بر آن داشت تا جهت حفظ جایگاه خود با تهدید ناشی از افراط‌گرایی تروریست‌های منطقه غرب آسیا مقابله نمایند (Grise & Evans, 2023). فعالیت گروه‌های اسلامی افراطی یا جریان بنیادگرایی اسلامی در مناطق مجاور ایران و روسیه تهدید مشترکی است که در فدراسیون روسیه زمینه‌های قیام و تجزیه طلبی اقوام مسلمان مانند چچن‌ها، داغستانی‌ها، تاتارها، اینگوش‌ها و غیره را احیا و فعال می‌سازد. تقابل‌گرایی در برابر داعش و گروه‌های تکفیری، از آن جهت اهمیت دارد که گستره روابط دفاعی دو کشور را از سطح دوجانبه به سطح منطقه‌ای ارتقاء داد (Gavrilis, 2016, p.9). با شکل‌گیری بحران اخیر در سوریه، سقوط بشار اسد و روی کار آمدن تحریرالاشام این گزاره با امکان گسترش رویکردهای افراطی به منطقه آسیای مرکزی (از سوریه تا چین) موجب نگرانی‌های جدی در دو کشور شد. به عبارت دیگر، ایجاد یک باریکه از افراطی‌گری در آسیای مرکزی به معنای تهدید امنیتی برای ایران و روسیه قلمداد می‌شود بنابراین بنظر می‌رسد تقویت همکاری‌ها و جهت‌گیری‌های همسو در مسایل آسیای مرکزی میان دو کشور بیشتر شود.

علاوه بر این، انقلاب‌های رنگی و تلاش برای بی‌ثبات‌سازی یکی دیگر از مهم‌ترین تهدیدات امنیتی مشترک برای روسیه و ایران محسوب می‌شوند. این پدیده، که عمدتاً با حمایت غرب و

بوئزه ایالات متحده انجام می‌شود، با هدف تغییر یا فشار بر نظام‌های سیاسی دنبال می‌شود. تجربه روسیه و ایران در دهه‌های اخیر نشان داده است که این دو کشور بارها با چنین تهدیداتی مواجه بوده‌اند و احتمال وقوع آن در آینده همچنان بالاست. این مسئله باعث می‌شود که مسکو و تهران همکاری‌های امنیتی و اطلاعاتی خود را در این زمینه تقویت کنند (Wilson, J. L, 2010).

روسیه طی دو دهه گذشته با چندین انقلاب رنگی در فضای پسا شوروی مواجه بوده است. اولین نمونه‌های آن را می‌توان در انقلاب رز در گرجستان (۲۰۰۳)، انقلاب نارنجی در اوکراین (۲۰۰۴) و انقلاب گل لاله در قرقیزستان (۲۰۰۵) مشاهده کرد. در هر سه مورد، نخبگان طرفدار غرب با حمایت مالی و رسانه‌ای ایالات متحده و اتحادیه اروپا به قدرت رسیدند و سیاست‌های ضد روسی را در پیش گرفتند. نمونه برجسته‌تر آن در سال ۲۰۱۴ رخ داد، زمانی که اعتراضات در اوکراین به سقوط دولت ویکتور یانوکوویچ و روی کار آمدن یک دولت غرب‌گرا منجر شد. مسکو این رویداد را یک کودتای طراحی‌شده توسط غرب تلقی کرد و در واکنش به آن، شبه جزیره کریمه را به خاک خود الحاق کرد و از جدایی‌طلبان در شرق اوکراین حمایت نمود. ایران نیز از بعد از انقلاب رویدادهای مشابهی را در رابطه با تلاش‌های غرب جهت بی‌ثبات‌سازی رژیم داشته است. حال با توجه به تغییرات ژئوپلیتیکی اخیر، احتمال وقوع موج‌های جدید بی‌ثبات‌سازی علیه روسیه و ایران همچنان بالاست. در مورد روسیه، جنگ اوکراین و فشارهای اقتصادی ناشی از تحریم‌ها ممکن است زمینه‌ساز نارضایتی داخلی شود. غرب ممکن است با استفاده از ابزارهای رسانه‌ای، جنگ اطلاعاتی و حمایت از گروه‌های مخالف، سعی کند اعتراضات را در داخل روسیه تقویت کند.

در مورد ایران، افزایش فشارهای اقتصادی، تحریم‌ها و نارضایتی‌های اجتماعی می‌تواند زمینه را برای اعتراضات جدید فراهم کند. علاوه بر این، تحولات منطقه‌ای، مانند نزدیکی کشورهای عربی به اسرائیل و افزایش همکاری‌های امنیتی میان آن‌ها، می‌تواند بر فشارهای خارجی بر ایران بیفزاید. از سوی دیگر، نقش‌آفرینی گروه‌های تجزیه‌طلب و فعالیت‌های خرابکارانه در مناطق مرزی، تهدید دیگری برای ثبات داخلی ایران محسوب می‌شوند. با توجه به تهدیدات مشترک، روسیه و ایران طی سال‌های اخیر همکاری‌های اطلاعاتی و امنیتی خود را گسترش داده‌اند. در سال‌های اخیر، دیدارهای متعددی میان مقامات امنیتی روسیه و ایران برگزار شده است که هدف آن‌ها بررسی تهدیدات مشترک و هماهنگی در مواجهه با تحرکات غرب بوده است.

#### ۴-۵. اهداف ژئوپلیتیک محور دو بازیگر جهت ارتقای جایگاه

جبر ژئوپلیتیک به معنای نزدیکی جغرافیایی، دو کشور ایران و روسیه را وارد ملاحظات خاصی نموده است. وجود یک قدرت بزرگ در مرزهای شمالی ایران موجب شده تا ایران در یک اجبار جغرافیایی همواره تعامل با روسیه را در راستای افزایش امنیت سرزمینی خود در نظر داشته باشد. تلاش روسیه برای حفظ برتری ژئوپلیتیک خود و نفوذ کرملین در قفقاز و آسیای مرکزی که با منافع ایران در برخی موارد همپوشانی ندارد، موجب شده تا ملاحظات ژئوپلیتیک محور برای روسیه اهمیت یابد. روسیه نمی‌تواند نقش ایران در تأمین امنیت خطوط انتقال انرژی به اروپا و شرق آسیا و موقعیت ژئواستراتژیک ایران به عنوان نقطه‌ای حیاتی برای توازن قوا در منطقه غرب آسیا را نادیده بگیرد. ایران نیز نمی‌تواند وسعت سرزمینی، موقعیت ژئوپلیتیک روسیه و نقش آن را در مناسبات ترانزیتی ایران نادیده بگیرد. هرگونه بحران در قره‌باغ یک وضعیت تهدیدآفرین ژئوپلیتیک محور برای مسیر ترانزیتی جمهوری اسلامی ایران محسوب می‌گردد که نقش روسیه برای حل بحران و ملاحظات ایران می‌تواند منجر به تهدیدزدایی از این منطقه ژئوپلیتیک شود و تهران را از یک تنگنای ژئوپلیتیک محور برهاند.

#### ۴-۶. اشتراک نظر در پاره‌ای از مسائل راهبردی منطقه‌ای ناشی از تغییر جایگاه

در تحولات اخیر منطقه غرب آسیا، روسیه با قرار گرفتن در کنار ایران و در محور مقاومت توازن قدرت را در منطقه به نفع ایران تغییر داد و این موضوع موجب افزایش قدرت چانه‌زنی ایران در بحران ۲۰۱۱ شد.

البته به دلیل منافعی که از سوی کشورهای منطقه غرب آسیا در حوزه فروش تسلیحات نصیب روسیه می‌گردد، کرملین هیچگاه چشمان خود را در برابر این سود اقتصادی، خصوصاً در شرایطی که به لحاظ اقتصادی دارای مشکلات داخلی است، نمی‌بندد. اما در ترتیبات امنیتی منطقه، مواضع سیاسی و امنیتی متمایزی از حوزه اقتصاد در پیش می‌گیرد و عمدتاً ملاحظات ایران را مدنظر قرار می‌دهد. بنابراین حتی در مقاطع تشدید اوضاع بحرانی در منطقه و مخدوش شدن روابط مسکو با ترکیه و عربستان، کرملین با تفکیک موضوعی و اهتمام به مبادله رژیمی، برخی مجاری ارتباط را باز نگه داشت (Vogel, 2023). این برداشت از رفتار سیاست خارجی نشان می‌دهد که روسیه سود همکاری با تمامی کشورهای منطقه غرب آسیا را در نظر دارد. در سطح منطقه مهم‌ترین مسئله راهبردی برای جمهوری اسلامی، وجود اسرائیل و احساس تهدیدی است که نسبت به آن دارد؛ تهدیدی که از افزایش قدرت و نفوذ آن در کشورهای

منطقه و عادی‌سازی سطح روابط این کشور با همسایگان جمهوری اسلامی در چارچوب پیمان صلح ابراهیم آغاز گردید و تا تقابل آشکار پس از عملیات هفتم اکتبر رسیده است. برخی از نخبگان و متفکران بر این باورند که روسیه استراتژی مشخصی برای پایان بحران به عنوان یک قدرت بزرگ نسبت به اقدامات خصمانه اسرائیل در غزه، لبنان و سپس در برابر ایران نداشته و حتی به سبب پیوند موضوعی با بحران اوکراین، تمایلی به کاهش بحران نداشته است. در حالی که نوع همکاری روسیه با ایران در زمان گسترش دامنه بحران به سوریه حاکی از این موضوع است که همچنان ملاحظات امنیتی ایران مورد توجه کرملین قرار دارد. تلاش برای حفظ اسد و دیدارهای مقامات بلندپایه بلافاصله با آغاز بحران سوریه حکایت از این امر دارد. بنظر می‌رسد ابتکار استراتژیک ایران در مدیریت بحران منطقه‌ای ۲۰۱۱ موجب شد تا تهران با وارد نمودن یک قدرت بزرگ به چرخه بحران، بتواند رویدادهای سوریه را مدیریت کند و در زمان سقوط بشار اسد نیز بر این گزاره تاکید کرد که منافع راهبردی و ژئوپلیتیک محور روسیه همچنان در سوریه تداوم داشته باشد لیکن رویدادهای داخلی سوریه و عدم تمایل بشار اسد منجر به اتخاذ سیاستی متفاوت از سوی دو کشور گشت. با این حال نکته‌ای که بطور جدی باید در روابط دو کشور جهت حفظ روابط استراتژیک و عدم تنزل آن به سطح ائتلاف تاکتیکی مدنظر قرارداد، توجه به جایگاه روسیه در شورای امنیت است. در مناسبات استراتژیک بازیگری که از چنین جایگاهی برخوردار است باید همواره منافع و اولویت‌های کشور همگرای خود را مدنظر قرار دهد. در حالی که جمهوری اسلامی ایران در قطعنامه‌های شورای امنیت با مواضع گوناگونی از سوی روسیه مواجه بوده است. تا کنون توجه روسیه در دستیابی به منافع و امتیازگیری از غرب موجب شده تا گاهی از مساله هسته‌ای ایران بهره‌برداری اقتصادی و سیاسی نماید. هنگامی که موقعیت و شرایط روسیه همراهی بیشتر با غرب را ایجاد می‌کند و منافعش در تضاد با منافع امریکایی‌ها و غربی‌ها نبوده، حمایت تمام‌عیاری از تحریم‌های علیه ایران انجام نمی‌دهد. این موضوع در سال ۲۰۰۹ و ۲۰۱۵ و ۲۰۲۴ پس از اقدام نظامی دوم اسرائیل علیه ایران قابل مشاهده است. اما در شرایطی که منافع کمتری در تعامل با غرب دارد و یا در صحنه تعارض با غرب (همچون بحران اوکراین و سوریه) قرار دارد حمایت همه جانبه‌ای را در وتوی قطعنامه‌های ضد ایرانی انجام داده است.

#### ۴-۷. توجه به توسعه اقتصادی و رفع محدودیت‌های اقتصادی در دستیابی به جایگاه برتر در مناسبات آتی

گزارش پراودا حاکی از آن است که ایران در معادلات امنیتی خود با روسیه، به خصوص بعد از جنگ اوکراین به طور مشخصی در حال انتقال دانش و تجربه چندین ساله این کشور در حوزه دور زدن تحریم‌های بین‌المللی به روسیه است (Alibabalu, 2023). علت این امر به عنوان بخشی از معادلات گسترده‌تر این دو کشور به عنوان بده بستان قابل بررسی است، اما انتقال چنین دانشی با توجه به محدودیت‌های شدید این حوزه نباید منجر به رقابت دو کشور گردد (Niakooee & Rahdar, 2021). به دیگر سخن، راه و روش دور زدن تحریم‌ها با اشاعه دانش آن به یک کشور دیگر، نه تنها راه‌های مقابله با آن را احتمالاً افزایش می‌دهد، بلکه این مسیرها منطقی‌تر از گستردگی و تفاوت‌های ماهوی زیادی برخوردار نیستند که توسط کشور دیگری نیز مورد استفاده قرار گیرند. برای مثال تخفیف‌های نفتی از سوی دو کشور که به طور همزمانی در قبال چین اعمال می‌شود، ممکن است باعث ایجاد رقابت میان آن‌ها شود (Matveev & Tashjian, 2022). البته حلقه تحریمی با بازگشت دونالد ترامپ به کاخ سفید و احتمال اعمال سیاست فشار حداکثری برای ایران تنگ‌تر خواهد شد؛ موضوعی که همکاری دو کشور را در حوزه دور زدن تحریم‌ها دو چندان می‌کند.

بنابراین، گرچه در زمینه اقتصادی دلیل اصلی همکاری دو کشور بیشتر از آنکه پایه و اساسی بلندمدت و دائمی داشته باشد، از سر نیاز و واکنشی در مقابل انزوای دو کشور از سوی غرب است اما این موضوع بویژه در دوران کنونی می‌تواند موجب گشایش همکاری‌های گسترده در حوزه اقتصادی شود و به عبارت دیگر، درگیری منافع اقتصادی دو کشور به استمرار ثبات و تداوم امنیت یکدیگر گره می‌خورد (Pourhasan & Barfgafkan, 2021). بدین معنا که به سبب سود اقتصادی روسیه در ایران، هرگز خواهان افزایش تهدیدات امنیتی علیه ایران نمی‌شود و یا بالعکس. یک نکته قابل تأمل دیگر، در حوزه انرژی و منابع نفتی و گازی این است که با توجه به اتکای اقتصادی هر دو بازیگر به حوزه هیدروکربنی، شکل‌دهی به یک رژیم نفتی بویژه در حوزه ترانزیت در آینده نزدیک، می‌تواند منجر به حل و فصل بسیاری از مسائل حوزه انرژی برای دو بازیگر شود. برای مثال تکمیل پروژه رشت-آستارا می‌تواند منجر به قدرت‌گیری ایران در حوزه ترانزیتی و تامین منافع اقتصادی روسیه شود. موقعیت منحصر به فرد جمهوری اسلامی ایران به عنوان کشور متصل‌کننده بازارهای شرقی به بازارهای غرب به خصوص در اروپا،

از هر لحاظ این کشور را به یک منطقه گلوگاهی و استراتژیک در زمینه زنجیره تامین تبدیل می‌کند. خط راه‌آهن رشت-آستارا نیز با اتصال یک خط راه‌آهن طولانی از شمال تا جنوب کشور از پروژه‌هایی است که برای هر دو کشور سود اقتصادی به همراه دارد. احتمال دارد روسیه در آینده نزدیک با تأثیر فزاینده تحریم‌های غرب، برای منافع خود سرمایه‌گذاری جدی در این پروژه را کلید بزند، بدین ترتیب به باور برخی از نخبگان ایران حتی می‌تواند به اندازه حوزه نفتی، از این مسیر ترانزیتی درآمدزایی داشته باشد.

#### ۸-۴. باورمندی مشابه به نقش دشمن مشترک در مناسبات آتی

در نگاه سیاستمداران ایران و روسیه این مفروض وجود دارد که ممکن است اختلاف با ایالات متحده از سوی طرف مقابل همیشگی نباشد (Pourhasan & Barfgafkan, 2021). بعضی از نخبگان روسی با اشاره به اینکه تهران در همکاری با روسیه پیگیر منافع خود بوده، تعاملات گسترده ایران و روسیه را سبب از دست رفتن برخی منافع مسکو در روابط با غرب می‌دانند (Aledwan & Al-Nouimat, 2020). از سوی دیگر از نظر برخی نخبگان ایرانی، سیاست خاورمیانه‌ای روسیه در دوره پسا شوروی هیچگاه راهبرد مشخصی نداشته و نتیجه این امر، فاصله زیاد بین سیاست نظری و عملی آن در این منطقه بوده است (Matveev & Tashjian, 2022). همین موضوع سبب رفتارهای ناپیوسته و عمدتاً منفعلانه مسکو در قبال تحولات مهم این منطقه بوده است (Azizi & Cevik, 2022). صرفنظر از مورد استثناء سوریه، در سایر موارد رفتارهای نامنظم و تغییر تاکتیک‌ها به تکرار مشاهده می‌شود.

گرچه این برداشت‌ها از سوی بخشی از متفکرین دو کشور وجود دارد اما توجه به ساختار نظام بین‌الملل و اهمیت دوران گذار و باورمندی هر دو بازیگر به تغییر نظم جهانی در آینده، تلاش برای ایفای نقش موثرتر در مناسبات منطقه‌ای و بین‌المللی در دوران تثبیت نظم پس از دوران گذار و به معنای اصلی ارتقای جایگاه تهران و کرملین در نظم آتی بین‌المللی موجب شده است که برداشت از نوع روابط با آمریکا در یک بستر و نگرش بلند مدت قرار گیرد و نگاه دو کشور نسبت به نظم آتی و ارتقای جایگاه به معنای حداقلی رقیب جدی دانستن آمریکا و در معنای حداکثری دشمن‌پنداری واشنگتن در مقابله با تغییر نظم بین‌المللی است. بنابراین مقابله با یکجانبه‌گرایی آمریکا به سبب نگاه ویژه به نظم دوران گذار حتی با وجود شکل‌گیری تعامل و مناسبات همه‌جانبه در نگاه دو کشور همچنان به عنوان یک گزاره با اولویت وجود خواهد داشت.

## ۵. نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف بررسی تعاملات سیاسی-امنیتی و نظامی میان ایران و روسیه در نظام بین‌الملل انجام شد. یافته‌ها نشان داد که تغییر در برتری و تفوق جایگاه بازیگران در نظام بین‌الملل، مستلزم شکل‌گیری اتحادهای استراتژیک و روابط راهبردی میان قدرت‌ها است. در این راستا، همکاری‌های نظامی به‌عنوان یکی از اصلی‌ترین عوامل تحول در روندها و نظم موجود، نقش تعیین‌کننده‌ای ایفا می‌کند. بر این اساس، نتایج تحلیل روابط و مناسبات ایران و روسیه در این پژوهش نیز نشان داد سیاست خارجی این دو کشور بر پایه تلاش برای ارتقای سطح کنشگری به‌عنوان قدرت‌های منطقه‌ای و جهانی استوار است. ایران در پی دستیابی به هژمونی منطقه‌ای است؛ در حالی که روسیه به دنبال تثبیت جایگاه خود به‌عنوان قدرتی برتر در عرصه جهانی است. این امر باعث شده تا هر دو کشور به تغییر در نحوه توزیع قدرت در نظام بین‌الملل و ارتقای جایگاه خود اهمیت ویژه‌ای بدهند. در سطح تحلیل نظری، الگوی سیاست خارجی روسیه بر پایه نواقعی‌گرایی تهاجمی شکل گرفته که بر مداخله‌گری و توسعه‌طلبی تأکید دارد، در حالی که سیاست خارجی ایران بر اساس نواقعی‌گرایی تدافعی، بر بازدارندگی و منطقه‌گرایی متمرکز است. با وجود این تفاوت‌ها، هر دو کشور در راستای ارتقای جایگاه خود در نظام بین‌الملل، رفتارهای سیاست خارجی همسو و نزدیکی را در پیش گرفته‌اند. البته همکاری میان ایران و روسیه، در ابتدا به‌واسطه بحران‌های امنیتی منطقه آغاز شد، اما در ادامه و پس از گذار از شرایط بحرانی، به دلیل نیاز متقابل دو کشور به ارتقای جایگاه و تحقق اهداف استراتژیک، این روابط وارد سطح راهبردی شده است. هر دو کشور با هدف مقابله با یکجانبه‌گرایی ایالات متحده و افزایش قدرت نظامی و امنیتی خود، به همکاری‌های دوجانبه در حوزه‌های سیاسی، امنیتی و نظامی روی آورده‌اند. عوامل کلیدی مؤثر بر این همکاری شامل اشتراک نظر در مسائل راهبردی، اهداف ژئوپلیتیک محور، مقابله با تهدیدات مشترک مانند افراط‌گرایی و تلاش برای کاهش نفوذ آمریکا در منطقه است.

در این میان، روسیه ایران را به‌عنوان شریکی مطمئن برای تأمین منافع و دستیابی به اهداف کلان خود در نظر گرفته است. به‌عنوان نمونه، در جریان جنگ اوکراین، ایران با گسترش همکاری‌های نظامی و انتقال دانش و تجربه‌های خود در دور زدن تحریم‌ها، نقش برجسته‌ای در حمایت از کرملین ایفا کرد به بیان دیگر، ایران مهم‌ترین بازیگر منطقه‌ای و ژئوپلیتیکی محسوب می‌شود که همکاری نظامی امنیتی خود را با کرملین گسترش داده است.

از سوی دیگر در تحولات منطقه ای ۲۰۱۱، چرخش نگاه سیاسی روسیه و همکاری با محور مقاومت، به تقویت جایگاه ایران در معادلات ژئوپلیتیکی منطقه و جهان منجر شد.

بنابراین پژوهش حاضر نشان داد که می‌توان از رویکرد سیاست خارجی همسوی روسیه و ایران تفسیر یک همکاری استراتژیک و نزدیک شدن به سطح روابط راهبردی را داشت؛ ضمن اینکه به رغم تمامی جهت‌گیری‌های همسو، اما نهایتاً این جایگاه روسیه است که سیاست این کشور را تعیین می‌کند، سیاستی که بر منطق بیشینه‌سازی قدرت و عدم اطمینان به ایالات متحده امریکا و غرب جهت ارتقای جایگاه و کنش‌مندی به عنوان یک ابرقدرت بنا شده است. بر اساس همین منطق است که کرملین سهم خود را از ژئوپولیتیک جهان می‌خواهد. این سهم‌خواهی که بخشی از آن مبتنی بر واقعیت‌های ژئوپلیتیک و تهدیدات امنیتی روز است، ریشه در سیاست ارتقای جایگاه روسیه دارد. به‌ویژه در معادلات امنیتی، روسیه مخالف شکل‌گیری دولت‌های غرب‌گرا در نزدیکی مرزهای خود بوده و تعامل با ایران را ابزاری برای کاهش هزینه‌های امنیتی و افزایش حاشیه امن خود می‌داند. به باور روسیه ایران هسته‌ای با ویژگی‌های ژئوپلیتیکی خاص و نقش وی در آسیای مرکزی نباید در محور غرب قرارگیرد. بنابراین شایسته است که یک متحد استراتژیک برای کرملین باشد.

در منطقه غرب آسیا نیز گسترش رقابت‌های جدی میان کشورهای منطقه، تلاش کشورهای منطقه جهت ایجاد یک رژیم امنیتی ضمنی بدون حضور ایران و با نقش آفرینی رژیم صیہونیستی، ایران را نیازمند بازدارندگی گسترده نموده است.

برای همین منظور، با تغییر نظم منطقه‌ای پس از بحران غزه، یکی از استراتژی‌های ایران ذیل بازدارندگی گسترده، افزایش سطح تعاملات امنیتی- نظامی و سیاسی با روسیه و چین است. توافقنامه‌های اخیر میان ایران و روسیه که بر مبنای همکاری‌های اطلاعاتی و امنیتی شکل گرفته، بیانگر عزم دو کشور برای تعمیق روابط راهبردی است. در نتیجه با برطرف شدن دغدغه امنیتی و مهم‌تر ارتقای جایگاه دو کشور در سطح منطقه و نظام بین‌الملل، همکاری دو کشور وارد فاز مناسبات جدیدی می‌گردد. نکته قابل تأمل اینکه در نظم آنارشیک کنونی که معادلات امنیتی و توزیع قدرت همچنان با اثرگذاری ایالات متحده به عنوان قطب جهان‌نما انجام می‌شود، ممکن است این کشور بویژه در زمان ریاست جمهوری ترامپ، جهت ایجاد شکاف در روابط دو کشور، اجازه و فرصت همکاری‌های بیشتر در چارچوب اتحاد استراتژیک را ندهد و این نیازمند شکل‌دهی به توافق‌نامه‌های بلندمدت همکاری میان دو بازیگر است.

## منابع و مأخذ

### انگلیسی:

- Aledwan, K. I., & Al-Nouimat, A.(2020). 'Russian-Iranian relations in the scope of new geopolitical situation'. *Vestnik KazNU. Series of international relations and international law*, 89(1), 16-22.
- Alibabalu, S.S.(2023). *The geopolitical impacts of the Russo-Ukrainian war on Iran, krakowskie-studia-miedzynarodowe*, e-ISSN 2451-0610 | ISSN 1733-2680, <https://doi.org/10.48269/2451-0610-ksm-2023-1-002>.
- Azizi, H & Çevik, S. (2022). *Turkish and Iranian Involvement in Iraq and Syria: Competing Strategies, Rising Threat Perceptions, and Potentials for Conflict*. Stiftung Wissenschaft und Politik (SWP) Comment. 2022/C 58. Berlin: SWP. 12 November. 8 p. DOI: 10.18449/2022C58. URL: <https://www.swp-berlin.org/en/publication/turkish-and-iranian-involvement-in-iraq-and-syria> (accessed 25.04.2023).
- Deborah, L & Alexei, Sh.(2014b). *Managing Rising Powers: The Role of Status Concerns*. In *Status in World Politics*, edited by Paul T.V., Larson Deborah W., Wohlforth William C., 33–57. Cambridge: Cambridge University Press.
- Deborah, L & Alexei, Sh.(2019a). *Quest for Status: Chinese and Russian Foreign Policy*. New Haven, CT: Yale University Press.
- Deborah, L & Alexei, Sh.(2019b). 'Lost in Misconception about Social Identity Theory'. *International Studies Quarterly*, 63 (4): 1189–91.
- Duque Marina, G. (2018). 'Recognizing International Status: A Relational Approach'. *International Studies Quarterly*, 62 (3): 577–92.
- Gavriliş, G. (2016). *Can Russia's Peace Plan for Syria Work?*, Institute for Religion, Culture, and Public Life, Columbia University, PONARS Eurasia Policy Memo No. 420, Accessed on: 11 Jun/ 2016.
- Geranmayeh, E., & Grajewski, N. (2023). *Alone Together: How the War in Ukraine Shapes the Russian-Iranian Relationship*. European Council on Foreign Relations.
- Grajewski, N.(2021). *The Evolution of Russian and Iranian Cooperation in Syria*. Center for Strategic and International Studies (CSIS) Report. Washington D. C.: CSIS. 17 November. 6 p. URL: <https://www.csis.org/analysis/> (accessed 22.04.2023). DOI: 10.22034/IRFA.2021.163444.
- Green, A.(2023). 'A political theory of state equality', *Transnational Legal Theory*, Volume 14, 2023 - Issue 2, Pages 178-210.
- Gotz, E.(2020). 'Status Matters in World Politics', *International Studies Review*, 23(4), 1-30, DOI:10.1093/isr/viaa046.
- Grise, M & Evans, A.T.(2023). 'The Drivers of and Outlook for Russian-Iranian Cooperation, Objective Analysis'. *Effective Solutions*, DOI: <https://doi.org/10.7249/PEA2829-1>.
- Güneylioglu, M.(2023). 'The Russia-Iran Alignment in the Middle East: The Main Dynamics and Limits of the Bilateral Security Cooperation'. *Akdeniz übf Dergisi*, 23(1), 50-62.
- Czechowska, L. (2013). 'The Concept of Strategic Partnership as an Input in the Modern Alliance Theory', *The Copernicus Journal of Politics Studies*, Vol.4, No.2, pp 37-51.

- [https://repozytorium.umk.pl/.../The\\_concept\\_of\\_strategic\\_partnership\\_as\\_an\\_input\\_in\\_the\\_modern\\_alliance\\_theory](https://repozytorium.umk.pl/.../The_concept_of_strategic_partnership_as_an_input_in_the_modern_alliance_theory).
- Forsberg, T. (2014). Status conflicts between Russia and the West: Perceptions and emotional biases. *Communist and Post-Communist Studies*, 47(3-4), 323-331.
- Kassianova, A.(2006). *Russian Weapons Sales to Iran*. Tomsk State University. PONARS Policy Memo(427), 1-5.
- Kurbanov, M.A. (2013). 'The United States and the Middle East: Masking Old Ideas or a New Course?' *Journal US-Canada.The Economy, Politics, Culture*, 10.
- Lawrence, F.(2019). 'The Rise and Fall of Great Power Wars'. *International Affairs*, 95 (1): 101–17.
- MacDonald, P.K & Parent, J.(2021). 'The Status of Status in World Politics', *World Politics*, 73(2):1-34, DOI:10.1017/S0043887120000301.
- Mahmoudian, A.(2023). *Russia-Iran Military Cooperation: The Dynamic Is Changing Dramatically Because of Drones in the Ukraine War*. GNSI Publications.
- Morrow, J. D. (1991). 'Alliances and asymmetry: An alternative to the capability aggregation model of alliances'. *American journal of political science*, 904-933.
- Matveev, I & Tashjian, Y. (2022). *Russia and Iran in Syria: A Competitive Partnership?*, Russian International Affairs Council: Analytics and Comments. 19 July. URL: <https://russiancouncil.ru/en/analytics-and-comments/analytics/russia>.
- Murray, M.(2019). *The Struggle for Recognition in International Relations: Status, Revisionism, and Rising Powers*. Oxford: Oxford University Press, 2019. 280 pp., (ISBN: 978-0190878900) .
- Niakooee S. A & Rahdar, H.(2021). 'The Middle East and Iran in Russia's foreign policy after the Ukraine war'. *Iranian Review of Foreign Affairs*. V. 12. No. 34. P. 494–520.
- Pourhasan, N & Barfgafkan, M.(2021). Iran and Russia's great power role (with emphasis on the Syrian crisis). *Iranian Review of Foreign Affairs*. No. 12/24. P. 465–493. DOI: 10.22034/IRFA.2021.162042. URL: [https://irfajournal.csr.ir/article\\_162042.html](https://irfajournal.csr.ir/article_162042.html).
- Parmeter, I.(2020). 'Russia's Growing Relationship with Iran: Strategic or Tactical? 30 Years since the Fall of the Berlin Wall': *Turns and Twists in Economies, Politics, and Societies in the Post-Communist Countries*, 139-150. DOI:10.1007/978-981-15-0317-7\_7.
- Paul, T. V., Larson, D. W., & Wohlforth, W. C.(2014). *Status in world politics*. Cambridge University Press .
- Snyder, G. H.(1990). 'Alliance theory: A neorealist first cut'. *Journal of International Affairs*, 103-123.
- Stepanova, E. (2016). 'Russia's Policy on Syria after the Start of Military Engagement', *Institute of World Economy and International Relations (IMEMO)*, No. 421.
- Stepanova, E.(2019). *Regionalization as the key trend of Russia's policy on Syria and in the Middle East*. In: *Russia's Policy in Syria and the Middle East*. Ed. Marlene Laruelle. Central Asia Program Paper no. 212. Washington D. C.: Institute for European, Russian and Eurasian Studies, George Washington University. P. 11–15.
- Stepanova, E. (2020). 'Russia's Foreign and Security Policy in the Middle East: Entering the 2020s'. Instituto Affari Internazionali (IAI) Paper no. 20/16. Rome: *Instituto Affari Internazionali*. 25 p. URL:

- <https://www.iai.it/sites/default/files/iaip2016.pdf> (accessed 25.04.2023).
- Steven, W. (2017a). *Status and the Challenge of Rising Powers*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Steven, W. (2017b). 'Lost in Translation: Social Identity Theory and the Study of Status in World Politics'. *International Studies Quarterly*, 61 (4): 821–34.
- Steven, W. (2020). 'Status, Stratified Rights, and Accommodation in International Relations'. *Journal of Global Security Studies*, 5 (1): 160–78.
- Vogel, A. (2023). 'Russian–Iranian–Turkish Trilateral Relations In The Syrian Civil War', *Pathways to Peace and Security*, V.4(2): 76-110, DOI: 10.20542/2307-1494-2023-1-76-110.
- Tan, T., & German, M. (2021). 'Russian-Iranian Strategic Partnership in Syria: Converging Interests but Diverging Goals'. *Open Journal of Political Science*, 12(1), 1-13.
- Wilson, J. L. (2010). The legacy of the color revolutions for Russian politics and foreign policy. *Problems of post-communism*, 57(2), 21-36.
- Yuen, Kh. (2019). 'Power as Prestige in World Politics'. *International Affairs*, 91 (1): 119–42.

